

## فصلنامه تاریخ اسلام

سال سوّم، بهار ۱۳۸۱، شماره مسلسل ۹، ص ۸۳-۱۸

## پژوهشی در باب

## جغرافی دانان اندلس و آثار آنها

## علیرضا روحی میرآبادی\*

مسلمانان در طی هشت قرن حضورشان در اندلس میراث علمی بسیار گرانسنگی را از خود بجای گذاشتند. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که مورد توجه ویژه آنان قرار گرفت، جغرافیا بود. در این مقاله جغرافی دانان اندلس و تألیفات آنها مورد بررسی قرار گرفته است. این آثار جغرافیایی را می‌توان به شیوه‌های مختلفی تقسیم بندی کرد. تعدادی از آنها به شکل مسالک و ممالک تألیف شده‌اند مهم‌ترین اثر در این زمینه کتاب المسالک و الممالک بکری است که فقط بخش‌هایی از آن باقی مانده است. همچنین در اندلس به سفرنامه نویسی و تهیه نقشه‌های جغرافیایی نیز اهمیت ویژه‌ای مبدول شده است.

در این مقاله سعی شده تا آثار جغرافیایی که در هر یک از زمینه‌های فوق

تألیف شده به اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: جغرافی دانان اندلس، آثار و منابع جغرافیایی، سفرنامه‌ها، مسالک و

ممالک.

\* دانشجوی دوره دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.

### ویژگی‌های علم جغرافیا در اندلس:

علم جغرافیا در اندلس همزمان با علم تاریخ آشکار گردید، همان عواملی که باعث شد جغرافیا در شرق رونق گرفته و رشد کند، در اندلس نیز باعث رشد و رونق جغرافیا گردید، انجام سفر حج و مسیر کاروان‌ها به سوی حجاز هم‌چنین سفر علمای اندلس برای فراگیری علم به شرق باعث توجه به علم جغرافیا گردید. در اندلس آثار جغرافیایی بسیاری تألیف شد برخی از آنها از نظر علمی قابل رقابت با آثار جغرافی دانان بزرگ شرق بودند. نکته‌ای که در این آثار قابل توجه است این است که، مکتب بلخی و عراقی در اندلس طرفداری ندارد. جغرافی دانان اندلس بیش‌تر از تألیفات لاتینی و فرانک‌ها و گوت‌ها که پیش از ورود اسلام به اندلس به نگارش درآمده بود، بهره بردند. مرزبندی ایالات و اندازه‌گیری مسافت‌ها و تاریخ شبه جزیره و تاریخ بعضی از سرزمین‌ها و شهرها را از اهالی اندلس فرا گرفتند. بسیاری از اسامی شهرها و مناطق جغرافیایی را نیز از ساکنان اولیه اسپانیا فرا گرفتند.<sup>(۱)</sup>

### عوامل مؤثر در منابع جغرافیایی اندلس

تأثیر آثار یونانی و رومی را در منابع جغرافیایی اسلامی اندلس نمی‌توان انکار کرد. جغرافی دانانی همچون مارسیانوس،<sup>(۲)</sup> افیینوس،<sup>(۳)</sup> اپیانوس<sup>(۴)</sup> و بلینیوس<sup>(۵)</sup> توصیفات از اندلس آوردند که مورد استفاده مسلمانان قرار گرفت.<sup>(۶)</sup>

از علمای دیگر استرابون است. او به اسپانیا سفر و برخی مناطق آن را توصیف کرد و قسمت باریکی را که شبه جزیره را به اروپا وصل می‌کند، برزخ نامید. نظرات او در مورد حدود اندلس در نوشته‌های اسلامی نفوذ کرد.<sup>(۷)</sup> گرچه جغرافی دانان اندلس تحت تأثیر تقسیم بطلمیوس قرار نگرفتند اما برخی تقسیمات او را در مورد شبه جزیره اندلس پذیرفتند.

یکی از جغرافی‌دانان اندلس که تأثیری در جغرافیای اسلامی اندلس گذاشت اوروزیوس<sup>(۸)</sup> (۳۸۵ - ۴۲۰ میلادی) بود، که اعراب او را هروشیش نامیدند. تقسیمات او در مورد اندلس مورد استفاده مسلمانان قرار گرفت.<sup>(۹)</sup>

### تقسیم‌بندی آثار جغرافیایی اندلس

آثار جغرافیایی اندلس را می‌توان به چندین دسته تقسیم‌بندی کرد. بیش‌ترین آثار نویسندگان اندلس در دو موضوع مسالک و ممالک و سفرنامه تألیف گردید. در کنار این دو نوع، تألیف بر پایه هفت اقلیم و معجم نویسی و عجایب و غرایب و همچنین تهیه نقشه‌های جغرافیایی را از نظر دور نداشته‌اند. برخی از آثار جغرافیایی در دو زمینه قابل طرح می‌باشند. در این تقسیم‌بندی که توسط نگارنده انجام شده به تمامی آثار جغرافیایی اندلس توجه شده است.

برخی از شخصیت‌هایی را که در این مقاله از آنان سخن گفته شده، به عنوان یک جغرافی‌دان نمی‌توان معرفی کرد بلکه سفرها و فعالیت‌های جغرافیایی آن‌ها در منابع دیگر آمده است، به عنوان نمونه می‌توان به یحیی الغزال و مغرورین اشاره کرد. مؤلفین آثار جغرافیایی اندلس از منابع شرق نیز بهره برده‌اند که با مقایسه آن‌ها متوجه میزان تأثیر پذیری ایشان می‌شویم.

### مسالک و ممالک:

اولین دسته که مورد بررسی قرار می‌گیرد آثاری هستند که به شیوه مسالک و ممالک تألیف شده‌اند. علمای اندلس از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم به این شیوه نگارش توجه نمودند. نخستین فردی که در این موضوع کتابی تألیف کرد «ابوعبدالله محمد بن یوسف

الوراق» (۲۹۳ - ۳۶۳ هـ) می‌باشد. او در دربار «حکم المستنصر» (۳۵۰ - ۳۶۶ هـ) به فعالیت‌های علمی می‌پرداخت و برای خلیفه کتاب بزرگی به نام «مسالك افريقية و ممالکها» را تألیف کرد. هم‌چنین در اخبار ملوک افريقية و جنگ‌های آنها و غلبه کنندگان بر آنها کتاب دیگری به نگارش درآورد. به لحاظ اطلاعات جامعی که در مورد شهرهای شمال افریقا داشته به دستور خلیفه حکم المستنصر آثار جغرافیایی را در مورد این شهرها تألیف نمود. ابن عذاری و بکری از کتاب محمدبن یوسف استفاده بسیار برده‌اند. در حقیقت او اولین فردی است که روش جغرافیای اقلیمی را در اندلس متداول نمود.

در نیمه دوم قرن سوم و اوایل قرن چهارم خانواده‌ای در اندلس ظهور کردند که موسوم به «آل رازی» هستند از این خانواده سه نفر شناخته شده‌اند اولین آنها «محمدبن موسی رازی» (م ۲۷۳) است او ساکن قرطبه بوده و در تاریخ و جغرافیا و گیاه‌شناسی تخصص داشته است. اثر وی کتابی است به نام «الرایات».<sup>(۱۰)</sup> این کتاب موجود نیست ولی بخش‌هایی از آن را می‌توان در آثار دوره‌های بعدی یافت موضوع اصلی کتاب تاریخ و جغرافیای اندلس است. مهم‌ترین فرد این خانواده «احمدبن محمد رازی» (۲۷۴ - ۳۴۴ هـ) است. در حقیقت او را باید پدر جغرافیا و تاریخ اندلس دانست. احمدبن محمد یکی از آثار اوروزیوس را ترجمه کرد. شخصیت ادبی احمدبن محمد در منابع مورد تمجید قرار گرفته است.<sup>(۱۱)</sup> اثر مهم جغرافیایی او که به شیوه مسالک و ممالک نگاشته است «مسالك الاندلس و مراسیها و امهاتها و اجنادهاالسته» است<sup>(۱۲)</sup> که در واقع مقدمه‌ای جغرافیایی بر تاریخ کبیر رازی می‌باشد. این کتاب باقی‌مانده ولی منابع دوره‌های بعد از آن استفاده فراوان برده‌اند.<sup>(۱۳)</sup>

ترجمه بخشی از این اثر به زبان پرتغالی توسط جیل پیریذ Gilperez در قرن چهارده میلادی صورت گرفته است.<sup>(۱۴)</sup> این ترجمه سه قسمت دارد بخش اول آن «صفة الاندلس» نامیده شده که توصیفات از شهرهای مختلف اندلس آورده است دو قسمت دیگر مربوط به

موضوعات تاریخی است.<sup>(۱۵)</sup> این ترجمه دارای اشتباهات فراوانی است از این ترجمه به زبان اسپانیایی ترجمه‌ای صورت گرفته که این ترجمه نیز دارای اشتباهات بسیاری است. شیوه تألیف رازی مورد تقلید نویسندگان دوره‌های بعد قرار گرفت و موقعیت او در اندلس همچون ابن حوقل و مقدسی در شرق می‌باشد.<sup>(۱۶)</sup>

سومین فرد از این خانواده عیسی بن احمد بن محمد بن موسی رازی است که دو کتاب در تاریخ اندلس به نام‌های «تاریخ الاندلس» و «حجاء خلفاء الاندلس» داشته است متأسفانه هر دو اثر وی از بین رفته‌اند<sup>(۱۷)</sup> و بیش از این اطلاعی نداریم.

از نویسندگان قرن پنجم که در این زمینه اثری را تألیف نموده است «احمد بن عمر بن انس» (۳۹۳ - ۳۷۸) معروف به «العذری» است. العذری را با نام «ابن الدلایی» می‌شناختند. او به همراه پدرش به مکه سفر کرد و از استادان این شهر بهره برد و مدت ۱۰ سال در کنار مسجدالحرام به تحصیل علم پرداخت و چندین اثر در مکه تألیف نمود.<sup>(۱۸)</sup> در منابع هیچ اشاره‌ای به این‌که العذری به جغرافیا پرداخته است، نشده و تنها او را فردی معرفی کرده‌اند که به حدیث می‌پرداخته، اما ادیسی و یاقوت از او به عنوان یک جغرافی‌دان یاد کرده‌اند.<sup>(۱۹)</sup> اثر جغرافیایی عذری که یاقوت از آن نام می‌برد «نظام المرجان فی المسالک و الممالک» می‌باشد.<sup>(۲۰)</sup> بخشی از این اثر توسط دکتر عبدالعزیز الاهوانی در مرکز مطالعات اسلامی مادرید تصحیح و چاپ شده است. در این چاپ به ایالت‌های تدمیر،<sup>(۲۱)</sup> بلنسیه،<sup>(۲۲)</sup> سرقسطه،<sup>(۲۳)</sup> و شقه،<sup>(۲۴)</sup> قرطبه،<sup>(۲۵)</sup> البیره،<sup>(۲۶)</sup> اشبیلیه،<sup>(۲۷)</sup> لبله،<sup>(۲۸)</sup> شذونه<sup>(۲۹)</sup> و الجزیره الخضراء<sup>(۳۰)</sup> می‌پردازد. مؤلف در توصیف این ایالت‌ها به موضوعات تاریخی نیز توجه داشته و به احمد بن محمد رازی و پسرش عیسی اعتماد کرده و حوادث و مطالب تاریخی را پس از آن‌ها تا روزگار خود ادامه داده است.

عذری در هر فصل یکی از کوره‌های اندلس را توصیف می‌کند و یک یک شهرهای آن

کوره‌ها را شرح می‌دهد و اهتمام ویژه‌ای به راه‌ها و مسافت‌ها و محله‌ها دارد و مسافت‌ها را به دقت ذکر می‌کند. توصیف عذری به روش مسالک و ممالک می‌باشد او به عجایب و غرایب نیز توجه دارد ولی بین این موضوع و توصیف جغرافیایی اختلاط به وجود نمی‌آورد این کتاب یکی از مآخذ اصلی اثر شاگردش بکری بوده است.<sup>(۳۱)</sup> ادریسی، زکریای قزوینی و هم‌چنین حاجی خلیفه در مقدمه جهان نما نیز از آن بهره برده‌اند.<sup>(۳۲)</sup>

بزرگ‌ترین جغرافی‌دان اندلس «ابوعبیدالله البکری» (۴۰۵ - ۴۷۸) است. او در شهر شلطیش<sup>(۳۳)</sup> متولد شد و در قرطبه رشد کرده و به تحصیل علم پرداخت. اهمیت ادبی او باعث شده تا معاصرانش وی را مورد تحسین قرار دهند.<sup>(۳۴)</sup> وی دو کتاب درباره جغرافیا نوشته است:<sup>(۳۵)</sup> «المسالک و الممالک» و «معجم ما استعجم من اسماء الامکنه و البقاع». آن چه که در این جا مورد نظر ما است «المسالک و الممالک» وی است. تمامی این اثر باقی مانده بلکه بخشهایی از آن در کتابخانه‌های مختلف دنیا به صورت خطی باقی مانده است. قسمتی از المسالک و الممالک به جغرافیا و بخش‌هایی نیز به موضوعات تاریخی و تمدنی اختصاص دارد. بکری ابتدا از هند شروع کرده و سپس چین و ایران را مورد بررسی قرار داده است. پس از آن از روم بحث می‌کند این بخش را از اوروزیوس گرفته است. بلاد صقالبه و روس در ادامه کتاب مورد بررسی قرار گرفته و سخنش را با جلالقه به پایان برده است. بخش‌های دیگری از این کتاب بصورت خطی در کتابخانه‌های مختلف دنیا باقی مانده است، از جمله در کتابخانه قزوین فاس بخشی موجود می‌باشد که به جغرافیای ایران و مصر و مغرب و قسمتی از اندلس و در قسمت دیگری از نسخه خطی آن به توصیف جغرافیای شام و جزیره العرب می‌پردازد.<sup>(۳۶)</sup>

در حقیقت کتاب المسالک و الممالک بکری که متأسفانه فقط بخش‌هایی از آن باقی مانده از وسیع‌ترین کتاب‌ها در این زمینه می‌باشد که در حدود ۴۶۰هـ تألیف شده و به جغرافیای تمام

عالم اسلام پرداخته است. ویژگی خاص بکری توجه به بیان وقایع تاریخی است که با دقت و توصیف کامل آورده است. هدف بکری از تألیف این اثر پاسخ دادن به نیازهای اداری بود. این اثر مورد استفاده جغرافی دانان دوره‌های بعد قرار گرفته است.<sup>(۳۷)</sup> کتاب معجم ما استعجم پس از این مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در قرن ششم هجری کتابی به شیوه مسالک و ممالک با عنوان «فرحة الانفس» تألیف شد نویسنده این اثر «محمد بن ایوب بن غالب غرناطی» است. او از دانشمندان است که برای اندلس فواید بسیاری داشته اما کمتر شناخته شده است. فرحة الانفس از دو قسمت تشکیل شده: جزء اول در جغرافیای اندلس و خطط و به شیوه مسالک و ممالک با عنوان «فرحة الانفس للآثار الاولیه التي فی الاندلس»<sup>(۳۸)</sup> می‌باشد. جزء دوم در اخبار گروهی از دانشمندان اندلس تحت عنوان «فرحة الانفس فی فضلاء العصر من اهل الاندلس»<sup>(۳۹)</sup> است. بخش جغرافیایی اندلس از کتاب احمد بن محمد رازی گرفته شده و تا حد زیادی با ترجمه‌های پرتغالی و اسپانیایی اثر رازی منطبق است. ابن غالب بخش‌هایی از مقدمه رازی را آورده و به برخی از کوره‌ها اکتفا کرده و قسمت‌هایی را حذف کرده است و با این کارش بخش‌هایی از کتاب رازی را برای ما حفظ نموده است. اثر ابن غالب مورد استفاده نویسندگان سده‌های بعد بویژه مَقْرئ قرار گرفته است.<sup>(۴۰)</sup>

یکی از محققان و مؤلفان بزرگ قرن هشتم «لسان الدین بن خطیب» (۷۱۳ - ۷۷۶) است در مورد زندگی و آثارش در پایان الاحاطه بحث مفصلی شده است. ابن خطیب را باید آخرین فردی شمرد که در موضوع مسالک و ممالک رساله‌ای تألیف نموده است. بیش‌تر مطالب جغرافیایی او در مورد سفرهایی است که انجام داده و جغرافیای غرناطه برای او اهمیت ویژه‌ای داشته است که در جای خود در این مورد به تفصیل بحث خواهیم کرد متأسفانه تعداد زیادی از آثار وی نیز از میان است.

از بین آثار باقی مانده چهار رساله از ابن خطیب موجود است که به موضوعات جغرافیایی اختصاص دارد. این رسایل توسط دکتر احمد مختارالعبادی با عنوان «مشاهدات لسان الدین بن خطیب فی بلاد المغرب والاندلس» چاپ شده است. رساله اول و چهارم به شیوه سفرنامه نویسی، رساله دوم مقایسه‌ای بین شهر سلا و مالقه<sup>(۴۱)</sup> و تنها رساله سوم به روش مسالک و ممالک است عنوان این رساله که اهمیت آن از سایر رساله‌ها بیش تر است، «معیار الاختیار فی ذکر المعاهد والدیار» است. مؤلف آن را به دو مجلس تقسیم کرده است:

مجلس اول اختصاص به شهرهای اندلس و مملکت غرناطه<sup>(۴۲)</sup> در نیمه دوم قرن هشتم هجری دارد و در آن ۳۵ شهر از اندلس را که در آن زمان در دست مسلمانان بوده شرح کرده است. ویژگی خاصی که ابن خطیب در نوشته‌هایش دارد، استفاده از کلمات مسجع است با این کار به نوشته خود زیبایی و لطافت خاصی می‌بخشد. ابن خطیب به دقت در مورد هر شهر و منطقه‌ای توضیح می‌دهد شاید بتوان گفت توضیحات او از این شهرها در سال‌های ۷۶۰ تا ۷۶۳ که این اثر را تألیف نموده بی‌نظیر باشد و حس وطن‌دوستی ابن خطیب در شرح و توضیح شهرهای غرناطه متجلی می‌شود.<sup>(۴۳)</sup>

مجلس دوم از این رساله به شهرهای مغرب پرداخته و ۱۶ شهر از مغرب را با شرح و بسط بیش تری نسبت به اندلس آورده است،<sup>(۴۴)</sup> علت این مسئله این است که وی در زمانی که مشغول تألیف این رساله بود در شهر سلا و تحت نظارت سلطان مغرب قرار داشته است. او با این رساله توجه همگان را به شهرهای در حال سقوط اندلس و هجرت اهالی آنها به شهرهای مغرب جلب نمود. به هر حال این رساله ابن خطیب آخرین اثر جغرافیایی است که در اندلس تألیف شد.



## سفرنامه:

اندلس به لحاظ دوری از سایر کشورهای اسلامی و مسافتی که تا حجاز و شهرهای مقدس مکه و مدینه داشت، هم‌چنین موقعیت علمی پایین‌ترش نسبت به شهرهای مصر و شام و ایران، باعث شد تا طالبان علم تمایل شدیدی به مسافرت به شرق پیدا کنند. سفرنامه‌های باقی مانده اطلاعات ذی‌قیمتی از زندگی، آداب و رسوم، استادان و مراکز علمی و سایر ویژگی‌های شهرهای شرق عالم اسلام در اختیار خواننده قرار می‌دهد. در کنار سفرنامه‌هایی که به شرق پرداخته، سفرنامه‌های دیگری به تحریر درآمد که موضوع اصلی آن‌ها کشورهای اروپایی بود. برخی از این سفرها مأموریت سیاسی بوده است.

اولین فردی که اخبار سفر او به اسکاندیناوی و کشور دانمارک فعلی در منابع آمده است «یحیی بن حکم بکری» (۱۵۳ - ۲۵۰ هـ) معروف به «غزال» است. او را به جهت زیبایی غزال نامیده‌اند. آن چه باعث شهرت وی شده است سفارت‌هایی است که در زمان عبدالرحمن دوم داشته است. اندلس در سال ۲۳۰ هـ شاهد حمله نورمان‌ها از مناطق شمالی به شهر اشبیلیه<sup>(۴۵)</sup> و غارت این شهر بود. عبدالرحمن با نیروهایش به دفاع از شهر برخاست و پس از مدتی آن‌ها را شکست داده و وادار به بازگشت نمود.<sup>(۴۶)</sup> پس از این شکست نورمان‌ها، افرادی را نزد عبدالرحمن فرستادند و از او درخواست صلح نمودند. عبدالرحمن یحیی الغزال را به جهت این‌که به چند زبان آشنایی داشت و از فصاحت و بلاغت برخوردار بود مأمور این سفارت نمود.

سفر غزال به سوی جزایر نورمان‌ها از طریق اقیانوس اطلس و با کشتی انجام پذیرفت. غزال به محل سکونت نورمان‌ها در دانمارک فعلی رفته و مورد استقبال پادشاه آن قرار گرفت. برخی از محققین جدید نام پادشاه نورمان‌ها را «تورجایوس» که نام عمومی پادشاهان آن‌ها

بوده ذکر کرده‌اند.<sup>(۴۷)</sup> نورمان‌ها همگی مسیحی بودند و تنها تعداد اندکی از آنها، آتش پرست بودند داستان ملاقات غزال و همسر پادشاه نورمان‌ها در منابع به تفصیل آمده است. غزال پس از انجام مأموریت سیاسی‌اش به سوی اندلس حرکت کرد نورمان‌ها تا سنت یعقوب با او همراهی کردند و غزال از این شهر به قشقاله<sup>(۴۸)</sup> و از آن جا به طلیطله<sup>(۴۹)</sup> مسافرت کرد و پس از گذشت بیست ماه نزد عبدالرحمن بازگشت و نامه پادشاه نورمان‌ها را به عبدالرحمن داد<sup>(۵۰)</sup> مسیر بازگشت وی از دریای شمال و از طریق مرزهای شمالی اندلس بود. غزال در زمان عبدالرحمن به سفر دیگری نیز اعزام شد. این سفارت به قسطنطنیه و دربار روم شرقی بود. اخبار این سفارت را ابن حیان در المقتبس و برخی منابع دیگر آورده‌اند. چگونگی انجام این سفارت و مسیر سفر به قسطنطنیه به درستی مشخص نیست. تنها موضوعی که مورد توجه مورخان قرار گرفته اشعاری است که غزال در وصف همسر امپراطور سروده است. این مأموریت با موفقیت به انجام رسید و غزال با هدایای امپراطور روم نزد عبدالرحمن بازگشت.<sup>(۵۱)</sup> غزال در اندلس، زریاب را که از نزدیکان خلیفه بود مورد هجو قرار داد و در اثر همین هجو از اندلس به عراق تبعید شد از این سفر غزال و دوران تبعید وی مطلبی در منابع نیامده است.<sup>(۵۲)</sup> غزال پس از بازگشت به اندلس به سرودن شعر روی آورد و در سال ۲۵۰ هجری فوت کرد.

یکی از سفرهای دیگری که اخبارش در منابع آمده سفری است که به «مغرورین» معروف شده است. ادریسی در مورد آنها می‌نویسد: در قرن سوم هجری هشت جوان پسر عمو که بعدها به مغرورین معروف شدند از شهر لشبونه خارج شدند و سوار بر کشتی وارد دریای ظلمات گردیدند تا آن چه را که در دریاست و پایان آن را بشناسند مدت یازده روز با بادهای شرقی در دریا رفتند و به دریایی رسیدند که موج‌های عظیمی داشت. سپس دوازده روز به سوی جنوب کشتی رانی کردند تا به جزیره‌ای به نام جزیره الغنم رسیدند. در این جزیره

گوسفندی گرفتند و ذبح کردند، ولی گوشت آن را تلخ یافتند و هیچ کس نتوانست از آن گوشت بخورد. پس از آن به جزیره دیگری رسیدند فرمانروای جزیره آن‌ها را با چشم بسته به محلی به نام قاره فرستاد که پس از سه روز و سه شب به آنجا رسیدند و از بربرها شنیدند که در جنوب مراکش هستند و تا شهرشان دو ماه راه است. در محل پیاده شدنشان بعدها بندر آسفی ساخته شد.<sup>(۵۳)</sup>

گرچه اخبار این سفر تا حدودی آشفته است اما برخی محققان معتقدند جزیره اولی که در اخبار سفر آمده جزیره مادیره و دومی یکی از جزایر قناری است.<sup>(۵۴)</sup> علامه مصطفی شهابی ساحلی را که مغرورین در آن پیاده شدند یکی از جزایر آمریکای جنوبی در دریای کارائیب می‌داند.<sup>(۵۵)</sup>

در قرن چهارم گزارش سفری به اروپا توسط یکی از علمای یهودی معاصر حکم المستنصر به نام «ابراهیم بن یعقوب» تألیف شد. بنابراین گزارش ابراهیم به آلمان و شرق اروپا و بلاد صقالبه سفر کرده و در سال ۳۵۴ به جنوب آلمان رفته و در ماگدبورگ با امپراتوری اوتو ملاقات کرد. وی اطلاعات وسیعی از امیرنشین‌های صقلاب اروپای قرون وسطی آرایه می‌دهد و از چهار امیرنشین بلغارستان، لهستان، چک و ناکون سخن رانده است. هم‌چنین از برخی شهرهای ساحلی یا نزدیک ساحل فرانسه و هلند و آلمان توضیحات مفصلی آرایه می‌کند.

ابراهیم بن یعقوب به اندلس و جغرافیای آن آشنایی داشته به گونه‌ای که مطالبش مورد استفاده جغرافی نویسان سده‌های بعد قرار گرفته است.<sup>(۵۶)</sup> یاکوب یکی از مستشرقینی است که در مورد ابراهیم بن یعقوب تحقیقات زیادی انجام داده است. او با مقایسه قزوینی و بکری به این نتیجه رسیده است که دو شخصیت عربی به آلمان سفر کرده‌اند. وی معتقد است در یک زمان دو نفر به صورت جداگانه به دربار اتوی اول اعزام شدند، اولی از طرف فاطمیان که

از شمال افریقا و از راه دریا به طرف ایتالیا و جنوب آلمان رفت و دیگری از طرف خلیفه قرطبه از اندلس به محاذات اقیانوس اطلس و دریای شمال حرکت کرد و به دریای ماینتس رسید. با این دو سفارت دو نفر همراه بوده‌اند و هر کدام سفرنامه‌ای به جا نهاده‌اند و نام هر دو ابراهیم بوده است.<sup>(۵۷)</sup>

پایه‌گذار واقعی سفرنامه نویسی «عبدالله بن احمد بن عربی» (۴۶۸ - ۵۴۳ هـ) می‌باشد. ابن عربی در اشبیلیه متولد شد و در هفده سالگی از اشبیلیه به طرف شمال افریقا مسافرت کرد. از شمال افریقا به مصر و بیت‌المقدس و شهرهای فلسطین و شام رفت و در حدود سال ۴۹۰ هـ به بغداد وارد شد. در طول سفر از محضر علمای هر شهری بهره می‌برد. سفر او به مکه دو سال به طول انجامید. وی در مسیر بازگشت نیز از همان شهرها و مناطقی که گذشته بود عبور کرد و به اشبیلیه رسید و تا آخر عمرش به تدریس و تألیف مشغول گردید.<sup>(۵۸)</sup>

ابن عربی سفرنامه‌اش را به نام «ترتیب الرحله للترغیب فی المله» نوشت. این سفرنامه اولین اثر جغرافیایی از این نوع در اندلس می‌باشد<sup>(۵۹)</sup> متأسفانه اصل کتاب باقی نمانده، اما در منابع دیگری می‌توان بخش‌هایی از این کتاب را یافت. در زمان مؤلف خلاصه‌ای از آن به نام مختصر ترتیب الرحله تهیه شد.<sup>(۶۰)</sup> مقری از این اثر به نیکی یاد می‌کند و برخی توضیحات ابن عربی در مورد قبة الصخره، مسجدالاقصی، مدینة السلام، مکه و برخی استادان و توصیف مناطق و شهرهای مختلف را از آن اخذ کرده است.<sup>(۶۱)</sup>

معاصر با ابن عربی جغرافی‌دان دیگری به نام «ابوحامد غرناطی» (۴۷۳ - ۵۶۵ هـ) ظهور کرد که سفرهای او به مراتب بیش‌تر و گسترده‌تر از ابن عربی است. ابوحامد غرناطی در شهر غرناطه متولد شده و در اقلیش<sup>(۶۲)</sup> رشد کرد و پس از آن‌که مدتی به فراگیری علم مشغول بود در سال ۵۰۸ هـ سفری به شرق نمود. او ابتدا به اسکندریه و سپس به قاهره مسافرت نمود و در آن‌جا از برخی علمای شهر استماع حدیث نمود و پس از مدتی به وطنش بازگشت.<sup>(۶۳)</sup>

غرناطی برای بار دوم به جمع آوری توشه پرداخت و در سال ۵۱۱ هـ اقدام به سفر نمود و در سفر دوم از جزیره سردانیه و سیسیل گذشت و سپس به اسکندریه و قاهره سفر کرد.<sup>(۶۴)</sup>

ما نمی‌دانیم که آیا او به وطنش بازگشته و برای بار سوم اقدام به سفر نموده یا از همین سفر به سوی مشرق رفته است. از روایت مقری مستفاد می‌شود که غرناطی در سال ۵۱۶ هـ در بغداد بوده<sup>(۶۵)</sup> و ۴ سال در این شهر اقامت داشته است. او در بغداد مورد عنایت و توجه وزیر ادیب و فقیه یحیی بن هبیره قرار داشت و کتاب «المغرب عن بعض عجائب المغرب» را برای کتابخانه او نوشت و سپس به سوی شرق سفر نمود. او در سال ۵۲۴ هـ بهر در ایران را دید و سپس از دریای قزوین عبور کرده و به سخسین بر ساحل رود ولگای اوسط و در سال ۵۳۰ هـ به بلاد ولگای ادنی رسید. پس از ۱۵ سال در ۵۴۵ هـ به بلاد مجار رفت و در ۵۵۳ هـ به سخسین بازگشته و خوارزم را در ۵۵۴ مشاهده کرد. از این شهر برای ادای حج در سال ۵۵۵ هـ به حجاز رفت و پس از انجام مراسم حج به بغداد سفر کرده و پناهنده ابن هبیره گردید. در ۵۵۷ هـ از موصل دیدن کرد و از آن جا متوجه حلب گردید. دمشق آخرین شهری بود که به آن مسافرت کرد و در این شهر در سال ۵۶۵ هـ فوت کرد.<sup>(۶۶)</sup>

اثر مهمی که از غرناطی باقی مانده «تحفة الالباب ونخبة الاعجاب» می‌باشد. این اثر غرناطی بر اساس عجایب و غرایب نوشته شده و قزوینی از آن استفاده فراوانی برده است.<sup>(۶۷)</sup>

گرچه در این اثر مسیر دقیق مسافرت غرناطی ضبط نشده اما از روی سال ورود به هر شهر می‌توان مسیر مسافرت او را فهمید.<sup>(۶۸)</sup> مطالب جغرافیایی تحفة الالباب بسیار ضعیف است. یک سوم کتاب مطالبی است که خود شخصاً دیده است. مسلمانان در مجارستان و بلغار و حوزه رود ولگا و قبایل قفقاز مورد توجه خاص او قرار داشته است.<sup>(۶۹)</sup> این اثر غرناطی در قرن ششم باعث جلب توجه همگان شد، زیرا از مناطقی بحث کرده بود که کم‌تر مسلمانی به

آن جا رفته بود.

اوج سفرنامه نویسی اندلس اثر «ابن جبیر» (۵۴۰ - ۶۱۴هـ) است. ابن جبیر در سال ۵۴۰ در شهر بلنسیه یا شاطبه متولد شد. نسبش به مردی که از پیشقراولان بلج بن بشر<sup>(۷۰)</sup> بود، می‌رسد. ابن جبیر پس از تحصیلات مقدماتی به غرناطه رفت و در کنار پدرش به خدمت موحدین مشغول شد. چون در لغت و ادبیات و فقه و سرودن شعر علم وسیعی داشت لذا جایگاه والایی نزد ابوسعید بدست آورد.<sup>(۷۱)</sup>

امیرابوسعید بن عبدالمؤمن از امیران موحدی از ابن جبیر خواست تا کتابی برای او درباره شراب بنویسد و پیاله شرابی را به او داد اما وی نپذیرفت. ابوسعید اصرار کرد تا وی را وادار به خوردن شراب نماید و به او اموالی را داد، اما ابن جبیر تصمیم گرفت با این اموال به سفر حج برود.<sup>(۷۲)</sup>

ابن جبیر سه بار به شرق سفر کرد. سفر اول او در سال ۵۷۸هـ از غرناطه شروع شد و اسکندریه و شام و عراق و جزیره<sup>(۷۳)</sup> را دید و سفرنامه‌ای که از او باقی مانده با نام «الرحله الکنانی» شرح همین سفر است.<sup>(۷۴)</sup> او در طول سفر دقت خاصی در ضبط تاریخ ورود به هر شهر داشت و به مزارها و مکان‌های مقدس توجه ویژه‌ای نمود، هدفش از این سفر رسیدن به حجاز و انجام مراسم حج بود. ابن جبیر در زمانی به این مسافرت رفت که صلیبیان در شام بودند و مشاهدات وی از شهرهای شام منبع بسیار خوبی برای شناخت وضعیت شهرهای شام در آن مقطع زمانی است. در مسیر بازگشت، از شهر صور با کشتی به سوی اندلس حرکت کرد. کشتی او در نزدیکی سیسیل شکسته شد و مسافران آن توسط گیوم پادشاه سیسیل نجات یافتند. ابن جبیر از شهرهای سیسیل گزارش‌هایی جالب توجه ارائه می‌دهد. وی در سال ۵۸۱هـ به اندلس بازگشت.<sup>(۷۵)</sup> ابن جبیر از سال ۵۸۵ تا ۵۸۷ سفر دومش را به شرق انجام داد این سفر که پس از شنیدن خبر فتح بیت المقدس بدست صلاح‌الدین بود از نظر سیاسی برای

او اهمیت خاصی داشت.

بار سوم پس از مرگ همسرش عاتکه به حج رفت و پس از اقامت طولانی در مکه به بیت‌المقدس و مصر و اسکندریه سفر کرد و تا پایان عمرش در اسکندریه به تحصیل و تدریس اشتغال داشت.<sup>(۷۶)</sup> از سفر دوم و سوم اطلاع چندانی در اختیار نداریم. سفرنامه ابن جبیر از زیبایی و روانی خاصی برخوردار است و در حقیقت سفرنامه او را می‌توان بهترین اثر در این زمینه در اندلس بشمار آورد.

همزمان با ابن جبیر «ابوالعباس احمد الشریسی» (در گذشته به سال ۶۱۶ یا ۶۱۹هـ) برای تحصیل علم به مشرق سفر کرد در منابع اسمی از سفرنامه وی نیامده و آثاری که از او یاد شده بیش‌تر در مورد موضوعات ادبی و فقهی است،<sup>(۷۷)</sup> اما با مراجعه به نفع الطیب مقری اشعاری را از شریسی می‌یابیم که می‌توان حدس زد او در هر سال به کدام شهر سفر نموده است. شریسی در پایان عمر به موطنش شهر شریس<sup>(۷۸)</sup> بازگشت.

پس از شریسی در نیمه دوم قرن هفتم سفرنامه‌ای به نام «الرحله المغربیه» تألیف «محمدبن محمدبن علی العبدری» تألیف شد. عبدری در سال ۶۸۸هـ به همراه پسر خردسالش به سوی مشرق سفر کرد و در شهرهای بزرگ شمال افریقا توقف‌های طولانی نموده و از مصر با کاروان حج عازم مکه شد و سپس از راه فلسطین به سوی مصر بازگشت و مدتی در قاهره و اسکندریه بود و از راه تلمسان، فاس و مکناس به ساحل اقیانوس اطلس رسید و در آن‌جا به خانواده‌اش پیوست. عبدری توصیف دقیقی از مواضع و محل‌های جغرافیایی و آثار قدیم و اخلاق مردم محلی ارائه می‌دهد، در واقع او ادامه دهنده راهی است که ابن عربی در سفرنامه نویسی شروع کرده بود. اسلوب زیبا و توجه به تمامی جوانب زندگی مردم باعث شده تا این اثر مورد توجه مردم محلی قرار گیرد.<sup>(۷۹)</sup>

در قرن هشتم سفرنامه دیگری توسط «ابن الحاج غرناطی» (۷۱۳ - متوفی بعد از ۷۶۸)

تألیف گردید. این سفرنامه همچون آثار قبلی سفر به شرق بود. ابن الحاج غرناطی در سال ۷۳۴ سفر خود را آغاز نمود و به حجاز رفته و حج بجای آورد و سپس به افریقایه بازگشت و نزد برخی از سلاطین خدمت نمود و در بجایه سفرنامه‌اش را تدوین نمود. او مدتی در خدمت ابوعنان از سلاطین بنومرین، که از ۷۳۱ هـ تا ۷۴۹ هـ حکومت کرد، رفت و پس از فوت او به اندلس بازگشت. مقری نسخه‌ای از رحله ابن الحاج را در اختیار داشته و آن را توصیف کرده است.<sup>(۸۰)</sup>

پیش از این از رسایل جغرافیایی ابن خطیب بحث شد و رساله اول و چهارم را به شیوه سفرنامه‌ای تألیف کرده است. عنوان رساله اول «*خطرة الطیف فی رحلة الشتاء و الصيف*» می‌باشد. ابن خطیب در این رساله به توصیف سفرش به همراه سلطان ابوالحجاج یوسف بن نصر می‌پردازد. این سفر که در اندلس انجام گرفته است، در ۱۷ محرم ۷۴۸ شروع شد.<sup>(۸۱)</sup> سفر او به سوی وادی آش<sup>(۸۲)</sup> و بسطة<sup>(۸۳)</sup> و پس از آن به برشانه<sup>(۸۴)</sup> بوده است. ابن خطیب در این گزارش به مشاهد و مقابر و محل‌هایی که در طول راه نظر او را جلب کرده، پرداخته است. او در زمانی به این سفر رفته است که تعداد زیادی از شهرهای اندلس از دست مسلمانان خارج شده بود، لذا سفر او کوتاه بود و در ۸ صفر ۷۴۸ به پایان رسید. متن سفرنامه مملو از لغات و اصطلاحات دشوار و پیچیده ادبی است و ابن خطیب با این شیوه نگارش هنر خود را در ادب و نویسندگی به نمایش گذاشته است.<sup>(۸۵)</sup>

رساله چهارم «*رحله لسان الدین بن خطیب فی بلاد المغرب*» نام دارد. چنانکه از نامش پیداست حاوی گزارش او از سفر به مغرب و اطراف کوه‌های اطلس غربی (معروف به کوه هنتاته) است. به جهت موقعیت خاص قبیله مضموده از بطون صنهاجه، ابن خطیب به آنجا سفر کرد و گزارشی از این قبیله فراهم نمود. بیش‌ترین بخش سفرنامه مربوط به مشاهدات مستقیم مؤلف است و موضوعات تاریخی اهمیت بیش‌تری نسبت به موضوعات جغرافیایی



دارد. توضیحات ابن خطیب از اغمات و تقسیمات آن دارای ارزش و اهمیت زیادی است. در این رساله نیز همچون رسایل دیگر، ابن خطیب از هنر نویسندگی خود در به کار بردن اصطلاحات و لغات مسجع برای زیبایی کلامش استفاده کرده است.<sup>(۸۶)</sup> این سفرنامه یا در سال‌های ۷۶۰ تا ۷۶۳ تدوین یافته که ابن خطیب همراه سلطان مخلوع محمد الغنی بالله به مغرب گریخته بود، و یا مربوط به سال ۷۷۳ هـ است که ابن خطیب بار دیگر به مغرب گریخته بود. رسایل ابن خطیب آخرین آثار سفرنامه‌ای اندلس می‌باشد.

#### معجم نویسی:

در اندلس معجم‌های جغرافیایی بزرگی تصنیف شد که در تألیف معجم‌های بزرگ شرق همچون معجم البلدان تأثیر بسیاری داشته‌اند. نویسندگان این معجم‌ها با استفاده از آثار جغرافیایی و همچنین با اتکای به علم و مشاهدات مستقیم خود و بهره گرفتن از اطلاعات مردم بومی هر منطقه اقدام به تألیف این آثار می‌کردند.

اولین معجم بزرگ جغرافیایی توسط «بکری» (۴۰۵ - ۴۷۸ هـ) تألیف شد. موقعیت علمی بکری مورد ستایش بسیاری از مورخان قرار گرفته است.<sup>(۸۷)</sup> اثر او با دو عنوان «معجم ما استعجم من اسماء الامکنه و البقاع» و «معجم ما استعجم من البلاد و المواضع» چاپ شده است. بکری خود در مقدمه متذکر می‌شود که آن چه در مورد منازل، دیار، روستاها، کوه‌ها، آثار باستانی، آب‌ها چاه‌ها از حدیث و اخبار و تاریخ و اشعار وارد شده بر اساس حروف معجم، ذکر می‌کند، او به جزیره العرب بیش‌تر از هر منطقه‌ی دیگری پرداخته است.<sup>(۸۸)</sup>

بکری برای تألیف این اثرش نیاز به اطلاعات گسترده‌ای داشت و باید علاوه بر مطالب جغرافیایی از اخبار و کتاب‌های ادبی و احادیث و تاریخچه هر منطقه اطلاع کامل بدست می‌آورد. او کتابش را بر اساس حروف هجاء مرسوم نزد اندلسی‌ها مرتب کرد و ترتیب

مکان‌های جغرافیایی در هر بابی به ترتیب دو حرف اول و دوم کلمه است بدون این‌که به حروف بعدی آن توجهی داشته باشد. کتاب دارای ۷۸۴ باب است و اولین اثر به شیوه حروف ابجدی به شمار می‌آید. مؤلف به اسم‌های وارده در قرآن و حدیث و مغازی و قصص توجه داشته و سعی کرده آن‌ها را در معجمش بیارود.

اثر بکری پس از تألیف معجم البلدان یاقوت از اهمیت افتاد و تحت‌الشعاع کتاب یاقوت قرار گرفت. بکری از منابعی استفاده کرده که امروزه در اختیار ما نیست. او را باید بزرگ‌ترین جغرافی‌دانی که خدمات ارزنده‌ای به علم جغرافیا نموده است، بدانیم.

یکی دیگر از آثار که به شیوه فرهنگنامه‌ای در اندلس گردآوری شده است «الروض المعطار فی خبر الاقطار» تألیف «ابوعبدالله محمد بن عبدالمنعم الحمیری» (قرن هفتم) می‌باشد. حمیری تحت تأثیر بکری اقدام به تألیف این اثر نمود. حاجی خلیفه دو کتاب را با این عنوان نام می‌برد و یکی را مربوط به سال ۹۰۰ هجری می‌داند و تاریخ دیگری را ذکر نکرده است.<sup>(۸۹)</sup> پرونسال معتقد است دو متن از کتاب فوق وجود داشته که از لحاظ زمانی یکی پس از دیگری بوده است و دو مؤلف از خاندان حمیری به تألیف و تصنیف در این مورد پرداخته‌اند: یکی از آن‌ها مربوط به قرن نهم است و دیگری به قرن هفتم باز می‌گردد. با توجه به این‌که ابن خطیب (د. ۷۷۶هـ) از این اثر استفاده کرده، لذا مطمئن می‌شویم که دو نسخه از این کتاب تألیف شده است.<sup>(۹۰)</sup> گرچه حمیری اثر خود را با ادیسی مقایسه کرده اما ارزش کار او به هیچ وجه قابل مقایسه با ادیسی نیست.

حمیری در روض المعطار به ترتیب حروف الفبا به شرح مواضع جغرافیایی پرداخته و مسافت‌های بین شهرها را ذکر کرده است.<sup>(۹۱)</sup> او از آثار جغرافیایی شرقی اطلاعات اندکی داشته و تنها منابع او، چند اثر جغرافیایی اندلس بوده است. با مقایسه روض المعطار و نزهة المشتاق ادیسی متوجه می‌شویم که تقریباً تمامی مطالب مربوط به شهرهای اندلس را از

نزهة المشتاق گرفته است.<sup>(۹۲)</sup> علاوه بر این اثر دو کتاب المسالک و الممالک و معجم مالستعجم بکری مورد استفاده فراوان حمیری قرار گرفته است.<sup>(۹۳)</sup> رحله ابن جبیر نیز از منابع حمیری شمرده می‌شود.<sup>(۹۴)</sup>

در واقع اثر حمیری در مقایسه با سایر آثار جغرافیایی ارزش علمی زیادی ندارد و هنر او تنها در تنظیم توصیف شهرها بر اساس حروف الفبایی است و از این جهت باید او را آخرین مؤلف فرهنگنامه نویس جغرافیایی در اندلس شمرد.

احسان عباس چاپ کاملی از روض المعطار انجام داده و در هر موضعی منبع حمیری را ذکر کرده است. شهرهای اندلس در روض المعطار توسط لویی پرونسال به صورت جداگانه چاپ شده است.<sup>(۹۵)</sup>

### هفت اقلیم

توجه به هفت اقلیم در اندلس باعث تألیف آثار گران سنگی گردید. در این آثار ابتکاراتی دیده می‌شود که در کتاب‌های مشرق وجود ندارد. یکی از بهترین آثاری که بر اساس هفت اقلیم نوشته شد کتاب «نزهة المشتاق فی اختراق الافاق» تألیف شریف ادیسی (۴۹۳ - ۵۵۶۰هـ) می‌باشد.

ادیسی اولین متخصص واقعی علم جغرافیا در اندلس می‌باشد و به جغرافیا جایگاه والایی بخشید او از خانواده ادیسیان علوی بود و مدت طولانی از عمرش را در سفر گذراند<sup>(۹۶)</sup> و برای تألیف کتابش پانزده سال وقت صرف کرد. اثر ادیسی در مقایسه با سایر آثار جغرافیایی از ارزش علمی والایی برخوردار است. او به شمال آفریقا، آسیای صغیر، مناطق مختلف اندلس، شمال غربی فرانسه و جزیره سیسیل سفر کرد. ادیسی در زمان روژه دوم به سیسیل سفر کرد و به خدمت او در آمده و به درخواست روژه کتاب نزهة المشتاق را تألیف کرد،<sup>(۹۷)</sup> از

این رو اثر ادیسی به طور معمول با نام «کتاب رُجار» خوانده می‌شود؛<sup>(۹۸)</sup> حتی به درخواست او خلاصه‌ای از کتابش با عنوان «انس المهج و روض الفرج» تهیه نمود.

ادیسی برای تألیف کتابش زحمت فراوانی کشیده است او در مقدمه از منابع مورد استفاده‌اش نام برده است.<sup>(۹۹)</sup> بیش‌تر توجهش به آثار جغرافیایی و نجومی بوده و پس از بررسی آثار و سیر در زمین روش جدیدی در جغرافیا نویسی به وجود آورد. ادیسی بر اساس تقسیم هفت اقلیم کتابش را تنظیم کرده و هر اقلیمی را به ده جزء تقسیم می‌کند و در ابتدا حدود هر جزء را ذکر می‌کند، این تقسیم‌بندی با زحمت زیادی انجام شده است. در مواردی بخش‌هایی از یک سرزمین در چند جزء از اقلیم مختلف آمده است. نزهة المشتاق در دو مجلد توسط چند تن از مستشرقین تصحیح و چاپ شده است. ادیسی برای روزه کره بزرگی از نقره ساخت و آن را به روزه داد.<sup>(۱۰۰)</sup>

اثر دیگری که به شیوه تقسیم به هفت تألیف شده «کتاب الجغرافیه و ما ذکرته الحکماء فیها من العماره و ما فی کل جزء من الغرائب والعجائب تحتوی علی الاقالیم السبعه و ما فی الارض من الامیال و الفراسخ» تألیف «محمد بن ابوبکر الزهری» (متوفی قرن ششم) می‌باشد. اطلاعات ما از زندگی زهری بسیار ناقص است. او با استفاده از منابعی که در اختیارش بوده و همچنین نسخه‌ای از *صورة المأمونیه*، اثرش را تألیف نموده است. با توجه به مطالب الجغرافیه متوجه این مسئله می‌شویم که زهری مدت طولانی را در سفر گذرانده است و شهرهای مختلف اندلس را دیده و از منابع کمی استفاده کرده است. در ابتدای کتابش شرحی از جغرافیا و ویژگی‌های زمین و آب‌ها و عجایب و غرایب را آورده و سپس به اقلیم سبعة می‌پردازد و حدود هر اقلیم را مشخص می‌کند.<sup>(۱۰۱)</sup> در تقسیم بندی اقلیم هیچ امتیاز خاص و ویژگی متمازی را نمی‌یابیم هر اقلیمی را به نام جزء خوانده و هر جزئی را به سه صُقع (ناحیه) تقسیم می‌کند که هر صُقع منطقه خاصی را شامل می‌شود؛ به عنوان نمونه زهری اندلس را در جزء

پنجم و در صُقع سوم قرار داده و شهرها و مناطق جغرافیایی آن را یک به یک شرح می‌دهد.<sup>(۱۰۲)</sup> یکی از ویژگی‌های این اثر توجه به عجایب و غرایب است. همین ویژگی باعث شده تا مورد توجه عموم مردم قرار گیرد و نسخه‌های خطی بسیاری از آن باقی بماند. در سراسر کتاب کلمه جغرافیا به صورت جغرافیا (با «ع» بدون نقطه) نوشته است که به معنی خریطه یا نقشه است و این براساس زبان جاری نزد مردم مغرب و اندلس است. علت این نام‌گذاری اعتماد زهری به صورة المامونیه است. اثر زهری مورد استفاده ابن سعید مغربی در کتاب البدء و تاریخ آدم و احمد بن علی المحلی در کتاب تحفة الملوک و الرغائب و مقرئ قرار گرفته است.<sup>(۱۰۳)</sup>

در قرن هفتم کتابی به نام «الجغرافیا فی الاقالیم السبع» توسط «علی بن سعدی العنسی» (۶۱۰ - ۶۸۵هـ) تألیف شد. ابن سعید در این کتاب کاملاً به ادربیسی تکیه داشته، زیرا اقلیم‌ها را به هفت قسمت و هر کدام را به ده جزء تقسیم نموده است. او به طول و عرض جغرافیایی توجه خاصی دارد و سعی می‌کند تا محل دقیق هر شهری را معین کند بخشی از اطلاعاتش را در مورد جنوب ایتالیا و شهرها و ایالت‌های آن منطقه از دریانوردی به نام ابن فاطمه گرفته است. ابن سعید مورد استفاده و نقد ابوالفداء قرار گرفته است.<sup>(۱۰۴)</sup>

#### تهیه نقشه‌های جغرافیایی در اندلس:

جغرافی دانان اندلس در امر تهیه نقشه زحمت بسیار کشید. گرچه شمار اندکی از این نقشه‌ها باقی مانده است اما می‌توان به اهمیت کار آنان پی برد. در بین جغرافی دانان اندلس، ادربیسی به لحاظ تألیف اثری در مورد نقشه‌نگاری اهمیت خاصی دارد، او کتابی به نام «روض الفرج ونزهة المهج» تألیف کرد که دارای هفتاد و سه نقشه است و در مقدمه این کتاب می‌نویسد هدف وی به دست دادن اندیشه‌ای مختصر از

نقشه‌نگاری است و منابع خود را نام می‌برد و آن چه را که در غرب دیده و یا از جهانگردان شنیده است، شرح می‌دهد. این کتاب به صورت خطی در استانبول نگهداری می‌شود.<sup>(۱۰۵)</sup> نقشه جهان ادریسی توسط کونر ادملر چاپ شده است.<sup>(۱۰۶)</sup>

علاوه بر این اثر، ادریسی نقشه دیگری نیز تهیه نمود، او خود در این مورد می‌نویسد: به دستور او از نقره خالص دایره بزرگی ساختند که وزن آن ۴۰۰ رطل رومی بود و هر رطل ۱۱۲ درهم می‌شد در آن تصویر اقالیم سبعة و بلاد آن و نواحی و اطراف و اکناف و خلیج‌ها و دریاها و مجاری آب‌ها و محل رودها و مناطق آباد و غیرآباد را کشیدند و راه‌ها و مسافت‌ها و بندرهای معروف را در آن ترسیم نمودند و کتابی مطابق با نقشه تألیف نمودند که احوال بلاد و زمین‌ها را توصیف می‌کرد.<sup>(۱۰۷)</sup> احتمال دارد این کتاب همان روض الفرج باشد. نقشه ادریسی اوج هنر نقشه‌کشی اسلامی در اندلس می‌باشد.

پیش از این از «زهری» و کتابش «الجغرافیه» سخن داشتیم. زهری کتابش را بر اساس شرح نسخه‌ای از صورۃ المامونیه که از طریق ابراهیم الفزاری بدست آورده بود تألیف کرد در مقدمه الجغرافیه در این مورد می‌نویسد: مأمون برای الجغرافیه هفتاد تن از فلاسفه عراق را جمع کرد و آن را بر توصیف زمین وضع نمودند. اگر چه این کار به دور از حقیقت بود زیرا زمین کروی است و جغرافیه بسیط است، و اما آن‌ها زمین را همچون اسطرلاب بسیط نمودند این کار برای این بود که بیننده تمام اجزاء و حدود اقالیم و دریاها را ببیند.<sup>(۱۰۸)</sup> گرچه زهری خود نقشه‌ای تهیه نکرد، اما با مطالعه اثر زهری می‌توان مشخصات الصورۃ المامونیه را فهمید. در قرن هفتم هجری نقشه‌ای جغرافیایی توسط ابن سعید مغربی تهیه شد.<sup>(۱۰۹)</sup> اطلاعات ما از این نقشه و خصوصیات آن بسیار ناقص است، اما می‌توان گفت این نقشه همچون نقشه‌های ابن حوقل نبوده است بلکه برای توضیح ذهن خواننده ترسیم شده است. سایر آثار جغرافیایی: علاوه بر آثار مذکور، کتاب‌های دیگری در موضوعات مختلف

جغرافیایی تدوین شد که در تقسیم بندی‌های فوق قرار نمی‌گیرد. از جمله آن‌ها می‌توان به ترجمه کتاب اوروزیوس که توسط قاسم بن اصبح<sup>(۱۱۰)</sup> (متوفی ۳۴۰هـ) صورت گرفت اشاره کرد. ترجمه کتاب اوروزیوس باعث آشنایی مسلمانان با این اثر شد و در واقع منبع اصلی مسلمانان در تألیف آثار جغرافیایی به شمار می‌رفت. بخش جغرافیایی کتاب قسمت کوچکی را شامل می‌شود. احمد بن محمد رازی از علمایی است که کتابش را بر اساس اثر اوروزیوس تألیف نمود. ادربسی نیز از اوروزیوس به عنوان یکی از منابع خود یاد می‌کند.<sup>(۱۱۱)</sup>

در قرن هفتم هجری یکی از علمای بزرگ اندلس به نام «ابوالحسن علی بن سعید العنسی» (۶۱۰ - ۶۸۵هـ) ظهور کرد. ابن سعید آثار بسیاری دارد،<sup>(۱۱۲)</sup> اما از بین آن‌ها دو کتاب «المغرب فی حلی المغرب» و «المشرق فی حلی المشرق» در مورد جغرافیاست.<sup>(۱۱۳)</sup>

تألیف المغرب تنها توسط ابن سعید نبوده بلکه در طی یکصد و پنجاه سال و بدست شش نفر از علمای اندلس صورت گرفته است و هر کدام پس از دیگری آن را تصحیح نموده‌اند. اولین فرد ابو محمد عبدالله بن ابراهیم بن الحجاری است که در سال ۵۳۰هـ کتابی به نام «المسهب فی غرائب المغرب» برای عبدالملک بن سعید تألیف نمود. پس از او عبدالملک بن سعید آن را تصحیح و تنقیح نمود و بخش‌هایی را به آن اضافه کرد. دو پسر عبدالملک، احمد و محمد نیز از مؤلفان اثر مذکور بودند. موسی بن محمد که از عالم‌ترین افراد خانواده بنی سعید بود به این کتاب قسمتی‌هایی را افزود و سرانجام بدست علی بن سعید صورت نهایی یافت.<sup>(۱۱۴)</sup>

ابن سعید در مقدمه اثرش شیوه نگارش کتابش را بیان کرده و می‌نویسد: هر کدام از این دو اثر را به ترتیب بلاد مرتب نمودم هر زمانی که سرزمینی را ذکر می‌کردم، کوره آن را یاد نموده و از کرسی مملکت شروع کردم و ویژگی‌های طبیعی آن را بیان می‌کردم؛ سپس به پنج طبقه می‌پردازم و هر طبقه‌ای را بعد از طبقه دیگری آوردم؛ و آن پنج طبقه عبارتند از: طبقه

الامراء، طبقة الروساء، طبقة علماء، طبقة الشعراء و طبقة اللفیف<sup>(۱۱۵)</sup> (گروه مردم). ابن سعید در مورد کوره‌های اندلس بحث کرده و این بخش را «کتاب وَشِ الطُّرُسِ فی حلی الجزیره الاندلس» نامیده است؛ سپس اندلس را به سه قسمت غرب، میانه و شرق تقسیم کرده است و هر قسمتی را به نام کتابی خاص آورده است.<sup>(۱۱۶)</sup> ابن سعید به مناطق مختلف جغرافیایی اندلس توجه داشته و از دریای مدیترانه به تفصیل بحث کرده است. بسیاری از آثار ذکر شده در این مقاله علاوه بر اطلاعات جغرافیایی مطالب ذی قیمتی را در ارتباط با موضوعات تاریخی و فرهنگ شهرهای اندلس در اختیار خواننده قرار می‌دهند که با مطالعه آنها می‌توان تاریخ و فرهنگ اندلس را بهتر شناخت.



## پی نوشت ها:

۱. طاهر مظفر العمید، آثار المغرب و الاندلس (بغداد، وزارة التعليم العالي و البحث العلمي، بی تا) ص

۱۴۶-۱۴۵.

2. Marsianos.

3. Avienus.

4. Appianus.

5. Blenius.

۶. حسین مونس، تاریخ الجغرافیا و الجغرافییین فی الاندلس (قاهره مکتبه مدبولی ۱۹۸۶) به نقل از

A dolf schultan Iberiscbeland skund p12

۷. ف، ن، آرسکی، نقدی بر استرابون، ترجمه محمد تقی زاده (تهران، پویش ۱۳۵۶) ص ۱۱۲-۱۱۴.

8. Horosius.

۹. سلمی خضر اجبوسی، میراث اسپانیای مسلمان، ترجمه محمد تقی اکبری (مشهد، بنیاد پژوهش های

آستان قدس، ۱۳۸۰) ج ۱، ص ۵۴۰ به عنوان نمونه اداریسی در ابتدای نزهة المشتاق از اوروزیوس به عنوان یکی از منابعش یاد می کند. ر. ک، محمد بن محمد اداریسی، نزهة المشتاق فی اختراق الافاق، (قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة،

۱۴۱۴) ج ۱، ص ۶.

۱۰. احمد بن محمد مقری، نفع الطیب، تصحیح محمد محی الدین عبدالحمید (بیروت، بی تا، ۱۳۶۷ هـ) ج ۴،

ص ۱۰۸؛ ابن البار، محمد بن عبدالله، الحله السیراء، تصحیح حسین مونس (قاهره، الشركة العربیة، ۱۹۶۳) ص ۳۶۶.

۱۱. ابن فرضی، تاریخ العلماء و الرواه للعلم بالاندلس تصحیح عزت العطار (بغداد، مکتبه المشنی، بی تا) ج

۱، ص ۵۴.

۱۲. محمد بن فتوح الحمیدی، جذوة المقتبس فی ذکر ولایة الاندلس تصحیح محمد بن تاویت الطبخی

(قاهره، مکتب نشر الثقافه الاسلامیة، ۱۳۷۲ هـ) ص ۹۶-۹۷؛ احمد بن یحیی الضبی، بغیة الملتمس فی تاریخ

رجال اهل الاندلس، (بغداد، قاهره مکتبه المثنی، بی تا) ص ۱۴۰ و احمد بن محمد مقرئ، *نفع الطیب*، ج ۴، ص ۱۶۶.

۱۳. برای نمونه ر. ک، محمد بن عبدالمنعم حمیری، *الروض المعطار فی خبر الاقطار*، تصحیح احسان عباس (بیروت مکتبه لبنان ۱۹۸۴ هـ)، ص ۳۸۹.

۱۴. عبدالرحمن حمیده، *اعلام الجغرافیین العرب و مقتطفات من آثارهم*، (دمشق، چاپ دارالفکر ۱۴۰۴ هـ)، ص ۳۰۲.

۱۵. بخش‌هایی از اثر رازی را حمیری در *روض المعطار* آورده است با مراجعه به روض المعطار می توان دورنمایی از اثر رازی را به دست آورد.

۱۶. پالثنیا گنزالس، *تاریخ الفکر الاندلسی*، ترجمه از اسپانیایی حسین مونس (قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة، بی تا) ص ۱۹۷ - ۱۹۸.

۱۷. همان.

۱۸. الضبی، احمد بن یحیی، *بغیة الملمس فی التاریخ رجال اهل الاندلس* (بغداد، قاهره مکتبه المثنی، بی تا) ص ۱۸۲ - ۱۸۳؛ ابن بشکوال، *الصله* (قاهره، دارالمصریة للترجمه و التألیف، ۱۹۶۶) ج ۱، ص ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷، حمیدی، *جزوه المقتبس*، ص ۱۲۷ - ۱۳۰.

۱۹. ادریسی، *نزهة المشتاق فی اختراق الافاق* ج ۱، ص ۵؛ یاقوت الحموی، *معجم البلدان*، تصحیح فرید عبدالعزیز الجندی، (بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا) ج ۵، ص ۱۱۹ ذیل المریة.

۲۰. الحموی، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۱۴۰، ذیل المریة.

21. Todmir.

22. Valencia.

23. Zaragoza.

24. Huesca.

25. Cordova.

26. Elvira.

27. Sevilla.

28. Iviébla.

29. Sidonia.

30. Algeciras.

۳۱. کراچکوفسکی، تاریخ الادب الجغرافی العربی، ج ۱، ص ۲۷۴.

۳۲. کاظم موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی (تهران، ۱۳۷۰) ج ۳، ص ۵۱۲.

33. Saltes.

۳۴. علی بن بسام ابن بسام، الذخیره فی محاسن اهل الجزیره، تصحیح سالم مصطفی البدری (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹هـ) ج ۲، ص ۱۴۴؛ محمد بن عبدالله ابن ابار، الحله السیراء ۳۷۲- ۳۷۳؛ خلف بن عبدالملک ابن بشکوال، الصله.

۳۵. آثار بکری در عبدالرحمن بن ابوبکر سیوطی، بغیة الوعاة فی طبقات النحویین و النحاة (بیروت، دارالمعرفه بی تا) ص ۲۸۵ آمده است.

۳۶. حسین مونس، تاریخ الجغرافیا و الجغرافیین فی الاندلس، ص ۲۳۶- ۲۳۷ و نیز مراجعه شود به پاروقی الحلة السیراء، ص ۱۶۸- ۱۶۹.

۳۷. به عنوان نمونه به توصیف برقه که توسط یاقوت ارائه شده مراجعه شود چاپ دارالکتب العلمیه ج ۱، ص ۴۴۳ و نیز بیان المغری ابن عذاری ج ۱، ص ۱۵۱- ۱۵۲، در بحث به قدرت رسیدن فاطمیان ابن ابار از المسالك و الممالک بکری استفاده کرد. مراجعه کنید به: الحلة السیراء، ص ۴۲۵ و هم چنین احمد بن یحیی ابن فضل الله، مسالك الابصار فی ممالک الامصار تصحیح احمد زکی پاشا (قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۴۲) ج ۱، ص ۲۹.

۳۸. مقرئ، نفع الطیب، ج ۱، ص ۱۸۸؛ اسماعیل پاشا، هدیه العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، تصحیح رفعت بیگلر (مکتبه الاسلامیه، طهران، ۱۹۶۷) ج ۲، ص ۱۸۶.

۳۹. این بخش در مجله معهد المخطوطات العربیه قاهره ۱۳۷۵ هـ به چاپ رسیده است.

۴۰. مقرئ، نفع الطیب، ج ۱، ص ۱۲۴ و ۲۷۱- ۲۷۹ و ج ۲، ص ۷ و ۱۴.

41. Malaga.

## 42. Granada.

٤٣. محمد بن عبدالله ابن خطیب، مشاهدات لسان‌الدین الخطیب فی بلاد المغرب و الاندلس، تصحیح احمد مختار العبادی (اسکندریه، ١٩٥٨م) ص ٦٧-٦٩.
٤٤. رساله دوم در کتاب مشاهدات لسان‌الدین خطیب ص ٦٩-١١٥ آمده است.

## 45. Sevilla.

٤٦. در مورد حمله نورمان‌ها به اشبیلیه مراجعه کنید به: محمد بن محمد ابن عذارى، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب تصحیح لویی پرونسال (بیروت، دارالثقافه ١٤٠٠هـ) ج ٢، ص ٨٨-٨٩ مقررى، نفتح الطیب، ج ١، ص ٣٢٣-٣٢٤؛ عبدالرحمن بن محمد ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون (قاهره، بی نا، بی تا).
٤٧. عبدالرحمن حمیده، اعلام الجغرافیین العرب صفحه ١٦٧ و کراچو کوفسکی، تاریخ الادب الجغرافی العربی، ص ١٣٦.

## 48. Castilla.

## 49. Toledo.

٥٠. کامل ترین شرح را از این سفارت عمر بن حسن ابن دحیه، المطرب من اشعار اهل المغرب تصحیح ابراهیم الابیاری (قاهره، اداره نشر التراث القديم، ١٩٥٤) ص ١٣٨-١٤٧ هم چنین منابع دیگری از جمله: عبدالملک بن محمد ثعالبی، یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر، تصحیح محمد محی الدین عبدالحمید (بیروت، دارالفکر، ١٣٦٦هـ) ج ٢، ص ٥٦ و ابن عذارى، البیان المغرب، ج ٢، ص ٩٣ و حمیدی، جذوة المقتبس فی ذکر ولایة الاندلس، ص ٣٥٢ و ابن خلدون، العبر، ج ٤، ص ٢٨٢.
٥١. مقررى، نفتح الطیب، ج ٣، ص ٢٥-٢٦؛ ابن حیان القرطبی، المقتبس من انباء اهل الاندلس، تصحیح محمود علی مکی (قاهره، لجنة احیاء التراث، ١٩٧١) ج ٢، ص ١٩٤؛ گنزالس پالنتیا، تاریخ الفکر الاندلسی، ص ٥٦-٥٧.
٥٢. ابن دحیه، المطرب، ص ١٤٨-١٤٩-١٥٠.
٥٣. ادریسی، نزهة المشتاق، ج ٢، ص ٥٤٨ و ابو حامد غرناطی، تحفة الالباب تصحیح گابریل فرنان (چاپ فرانسه، بی نا، ١٩٢٥) ص ٨٦.

۵۴. کراچوکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹) ص ۱۱۰.
۵۵. عبدالرحمن حمیده، اعلام الجغرافیین العرب، ص ۲۸۹؛ مجله مشکوة شماره ۶۲-۶۵ سال ۱۳۷۸ مقاله حضور مسلمانان در قاره امریکا پیش از کریستف کلمب تألیف محمد عبدالجبار ترجمه محمد تقی اکبری ص ۱۰۵ گرچه این نظریه توسط برخی محققان عنوان شده اما به نظر می‌رسد در آن مدت نمی‌توانستند اقیانوس اطلس را طی کنند و این جزایر باید جزایر نزدیک اندلس همچون جزایر قناری باشد.
۵۶. به عنوان ر.ک به توصیف حمیدی از شهر لورقه که به نقل از ابراهیم بن یعقوب است *الروض المعطار*، ص ۵۱۲.
۵۷. کراچوکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ص ۱۵۴-۱۵۵.
۵۸. برای شرح کامل زندگی ابن عربی مراجعه کنید به: ابن عربی، محمد بن عبدالله، *العواصم من القواصم فی تحقیق مواقف الصحابه بعد وفاة النبی (ص)*، تصحیح محب‌الدین خطیب (قاهره، المكتبة السلطنیه، ۱۳۷۵هـ) ص ۱۰-۲۶.
۵۹. کراچوکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی، ص ۲۴۱.
۶۰. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، مقاله ابن عربی، ج ۴، ص ۲۲۵.
۶۱. مقرئ، *نفع الطیب*، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۹.
۶۲. اقلیش شهری دارای دژ و مرکز ایالت شستیریه است. این شهر توسط فتح‌بن خاقان در سال ۱۶۰ ساخته شده است. مراجعه کنید به: حمیری، *صفة جزيرة الأندلس*، تصحیح لویی پروسنال (بی‌جا، مطبعة لجنة التألیف و الترجمة و النشر، ۱۹۳۷م) ص ۲۸.
۶۳. مقرئ، *نفع الطیب*، ج ۳، ص ۵.
۶۴. عبدالرحمن، حمیده، *اعلام الجغرافیین العرب*، ص ۳۶۸.
۶۵. مقرئ، *نفع الطیب*، ج ۳، ص ۵ و ۶.
۶۶. عبدالرحمن، حمیده، *اعلام الجغرافیین العرب*، ص ۳۶۸.
۶۷. زکریابن محمد، قزوینی، *عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات* تصحیح نصرالله سبوحی، (تهران،

- بی‌نا، ۱۳۶۱) ص ۱۳۱- ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۸۲ و ۲۳۶.
۶۸. ابو حامد غرناطی، *تحفة الالباب*، تصحیح گابریل فران (چاپ فرانسه ۱۹۲۵)، ص ۳۳۶ به بعد و ۱۱۶- ۱۱۷.
۶۹. همان منبع، ص ۳۳۶.
۷۰. بلخ بن بشر رهبری گروهی از اعراب را در سال ۱۲۴ هـ به عهده داشت او بر ضد عبدالملک بن قطن قیام کرد و پس از دوازده نبرد عبدالملک اسیر شد و پس از چندی بقتل رسید و بلخ بن بشر یک سال براندلس حکومت کرد. مراجعه کنید به: عمر فروخ، *العرب و الاسلام فی الحوض الغربی من الحجر الابيض المتوسط* (بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۱م) ص ۱۴۶- ۱۴۷- ۱۴۸.
۷۱. مقرئ، *نفع الطیب*، ج ۳، ص ۱۴۳- ۱۴۴.
۷۲. عبدالرحمن، حمیده، *اعلام الجغرافیین العرب*، ص ۴۰۹.
۷۳. اصطلاحاً به منطقه شمال بین‌النهرین که بین دو رود دجله و فرات قرار دارد جزیره می‌گویند.
۷۴. اسماعیل پاشا، *هدیه العارفین*، ج ۲، ص ۱۰۹.
۷۵. برای اطلاع بیش تر مراجعه کنید به: محمد بن محمد ابن جبیر، *الرحله ابن جبیر* (بیروت دار صادر).
۷۶. ابن خطیب، محمد بن عبدالله، *الاحاطه فی اخبار غرناطه*، تصحیح محمد عبدالله عنان (قاهره، مکتبه الخلاجی، ۱۴۲۱هـ) ج ۲، ص ۲۳۱- ۲۳۲.
۷۷. سیوطی، *بغیة الوعاة*، ص ۱۴۳ و مقرئ، *نفع الطیب*، ج ۲، ص ۲۶۸.
۷۸. شریش (Jerez) از شهرهای شدونه و نزدیک اقیانوس اطلس قرار دارد. مراجعه کنید به: حمیری، *صفة جزيرة الاندلس*، ص ۱۰۲.
۷۹. عبدالرحمن، حمیده، *اعلام الجغرافیین العرب*، ص ۴۹۶- ۴۹۷، ۴۹۸- ۵۰۱ و کراچکوفسکی: *تاریخ الادب الجغرافی العربی*، ص ۲۸۸- ۲۸۹.
۸۰. مقرئ، *نفع الطیب*، ج ۸، ص ۲۹۱ و ۲۹۳؛ صلاح‌الدین منجد، *المشرق فی نظر المغاربه و الاندلسیین فی القرون الوسطی* (بیروت، دارالکتب الجدید، ۱۹۶۳) ص ۴۷ و ۴۸.
۸۱. \_\_\_\_\_، *مشاهدات لسان الدین بن خطیب*، ص ۲۶.

۸۲. وادی آش از شهرهای بزرگ اندلس، در نزدیکی غرناطه واقع است و رودهایی در اطراف آن جاری است. مراجعه کنید به: *الروض المعطار*، تصحیح احسان عباس، ص ۶۰۴.
۸۳. بسطه از شهرهای اندلس که در نزدیکی وادی آش قرار دارد. مراجعه کنید به: همان منبع ص ۱۱۳.
۸۴. برشانه از شهرهای اندلس و دارای دژی است که دو رود آنرا از اطراف گرفته‌اند و از قوی‌ترین دژها است. مراجعه کنید به: همان منبع، ص ۸۸.
۸۵. برای اطلاع از متن سفرنامه مراجعه کنید به: *مشاهدات لسان‌الدین بن خطیب* ص ۵۲-۵۳.
۸۶. محمد بن عبدالله ابن خطیب، *نفاضة الجراب فی علاله الاغتراب* تصحیح احمد مختار العبادی (بغداد، دارالنشر المغرب بی تا) ج ۲، ص ۴۳-۸۰ و *مشاهدات لسان‌الدین بن خطیب*، ص ۱۱۹-۱۵۶.
۸۷. ابن‌البار، *الحله السیراء*، ص ۳۷۲-۳۷۳.
۸۸. عبدالله بن عبدالعزیز بکری، *معجم ما استعجم من البلاد و المواضع* تصحیح جمال طلبه (بیروت، دارالعلمیه، ۱۴۱۸) ج ۱، ص ۵-۹۰.
۸۹. مصطفی بن عبدالله حاجی خلیفه، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون* (بی جا، مطبعه و کاله المعارفه الجلیه، ۱۹۴۱ هـ) ج ۱، ص ۵۸۰.
۹۰. ابن خطیب، *الاحاطه* (قاهره، شرکه طبع الکتب العربیه) ج ۳، ص ۱۳۴-۱۳۵.
۹۱. حمیری، *الروض المعطار*، ص ۱ و ۲.
۹۲. به عنوان نمونه مقایسه شود *نزهة المشتاق* ج ۲، ص ۵۴۵ ذیل شهر مارد با *الروض المعطار*، ص ۵۱۸ و ۵۱۹ و هم چنین سایر شهرهای اندلس.
۹۳. مقایسه شود *معجم ما استعجم*، ج ۱، ص ۳۴۴ با *الروض المعطار* ص ۱۵۰ ذیل «ثمانین».
۹۴. مقایسه شود *الرحله* ابن جبیر ۲۵۸ با *الروض المعطار* ص ۱۹۸ ذیل «حمص».
۹۵. *صفة جزیره اندلس منتهی من کتاب الروض المعطار فی خبر الاقطار* تصحیح و گردآوری لویی پرونسال قاهره، ۱۹۳۷.
۹۶. اسماعیل پاشا، *هدیه العارفین*، ج ۶، ص ۹۴.
۹۷. خلیل بن ایبک صفدی، *الوافی بالوفیات* تصحیح هلموت ریتز (لیسبادن، دارالنشر، ۱۴۰۱) ج ۱، ص ۱۶۳.

۹۸. \_\_\_\_\_، *مسالك الابصار في ممالك الامصار*، ج ۱، ص ۱۹.
۹۹. ادريسی، *نزهة المشتاق*، ص ۵ و ۶.
۱۰۰. سامی البجيرمی، *ادريسی و الكرة المَجَسِّمة (الدار المصرية البنايية)* ص ۱۴.
۱۰۱. محمد بن ابوبکر، زهری، *كتاب الجغرافيه* تصحيح محمد حاج صادق، (دمشق، معهد الفرشي، ۱۹۶۸م) ص ۲۹۷.
۱۰۲. زهری، *الجغرافيه*، ص ۲۰۶ - ۲۷۲.
۱۰۳. همان، ص ۳۰۸ *مقری، نفع الطيب*، ج ۱، ص ۲۱۰ و ۲۱۱.
۱۰۴. به عنوان نمونه مراجعه کنید به: ابوالفداء، اسماعیل بن علی، *تقويم البلدان* تصحيح ماک کویکین و یسسلان (چاپ پاریس، دارالطباعة السلطانية، ۱۸۴۰) ص ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۳۵ و ۱۳۷.
۱۰۵. کراچکوفسکی این اثر را دیده و شرح می دهد. مراجعه کنید به: *تاریخ نوشته های جغرافیایی*، ص ۲۳۴.
۱۰۶. ادريسی، *نقشه صورة الارض*، تصحيح و ترجمه کونراد ملر ترجمه به عربی محمد بهجه الاثری (بغداد، المجمع العراقي، ۱۳۷۰).
۱۰۷. ادريسی، *نزهة المشتاق*، ج ۱، ص ۲ و ۷، *صفدی، الوافی بالوفیات*، ج ۱، ص ۱۶۳.
۱۰۸. الزهری، *الجغرافيه*، ص ۳۰۸.
۱۰۹. مقری، *نفع الطيب*، ج ۱، ص ۲۰۹.
۱۱۰. در مورد زندگی قاسم بن اصیغ مراجعه کنید به: ابن فرضی، *تاریخ العلماء و الرواه للعلم بالاندلس*، ج ۱ ص ۴۰۵ و الضبی، *بغية الملتبس في تاريخ الرجال اهل الاندلس*، ص ۴۳۳ - ۴۳۴ و مقری، *نفع الطيب*، ج ۲، ص ۲۵۳ - ۲۵۴.
۱۱۱. ادريسی، *نزهة المشتاق*، ج ۱، ص ۶.
۱۱۲. مقری، *نفع الطيب*، ج ۳، ص ۳۸ و حاجی خلیفه، *كشف الظنون*، ج ۲ ص ۱۰۳؛ *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۳، ص ۶۸۹ - ۶۹۰ - ۶۹۱.
۱۱۳. خانواده آل سعید نسبشان به عمار یاسر می رسید و آنها از فرمانروایان قلعه یَصْبُ بودند. چند نفر از این خانواده در خدمت مرابطین، به امور حکومتی گماشته شدند.



۱۱۴. مقرئ، نفع الطیب ج ۳، ص ۹۵ و ابن سعید، المغرب فی حلی المغرب، ج ۱، ص ۱. در مورد زندگی آل سعید به المغرب فی حلی المغرب، ص ۲ و ۳ و ۴ تصحیح شوقی ضیف و نفع الطیب، ج ۳، ص ۹۶-۹۹-۱۰۰-۱۰۱ مراجعه شود.

۱۱۵. ابن سعید، المغرب ص ۹.

۱۱۶. همان، ص ۳۳.

**منابع:**

- آرسکی، ف، ن، **نقدی بر استرابون**، ترجمه محمد تقی زاده، (تهران، پویش، ۱۳۵۶هـ).
- ابن الابار، محمد بن عبدالله، **الحله السیواء** تصحیح حسین مونس (قاهره، الشركة العربیه، ۱۹۶۳).
- ابن بسام، علی بن بسام، **الذخیره فی محاسن اهل الجزیره**، تصحیح سالم مصطفی البدری (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹هـ).
- ابن بشکوال، خلف بن عبد الملک، **الصله** (قاهره، الدار المصریه للترجمه والتألیف، ۱۹۹۶م).
- ابن جبیر، محمد بن محمد، **الرحله ابن جبیر** (بیروت، دار صادر).
- ابن حیان القرطبی، **المقتبس من انباء اهل الاندلس**، تصحیح محمود علی مکی (قاهره، لجنه احیاء التراث، ۱۹۷۱).
- ابن خطیب، محمد بن عبدالله، **الاحاطه فی اخبار غرناطه**، تصحیح محمد عبدالله عنان (قاهره، مکتبه الخلاجی، ۱۴۲۱هـ).
- \_\_\_\_\_، **مشاهدات لسان الدین الخطیب فی بلاد المغرب و الاندلس**، تصحیح احمد مختار العبادی (اسکندریه، ۱۹۵۸).
- \_\_\_\_\_، **نفاضه الجراب فی علالة الاغتراب**، تصحیح احمد مختار العبادی (بغداد، دارالنشر المغرب، بی تا).
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، **تاریخ ابن خلدون** (قاهره، بی نا، بی تا).
- ابن دحیه، عمر بن حسن، **المطرب من اشعار اهل المغرب**، تصحیح ابراهیم الابیاری (قاهره، اداره نشر التراث القدیم، ۱۹۵۴).
- ابن سعید علی بن موسی، **المغرب فی حلی المغرب**، تصحیح شوقی الضیف (قاهره، دار المعارف، ۱۹۹۳).
- ابن عذاری، محمد بن محمد، **البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب**، تصحیح لویسی پرونسال (بیروت، دارالثقافه، ۱۴۰۰هـ).
- ابن عربی، محمد بن عبدالله، **العواصم من القواصم فی تحقیق مواقف الصحابه بعد وفاة النبی (ص)**،

- تصحیح محب‌الدین خطیب (قاهره، المكتبة السلطانية، ١٣٧٥هـ).
- ابن فضل الله، احمد بن يحيى، **مسالك الابصار فى ممالك الامصار**، تصحيح احمد زكى پاشا (قاهره، دار الكتب المصرية، ١٣٤٢).
- ابوالفداء، اسماعيل بن على، **تقويم البلدان**، تصحيح ماک كوكين و يسلان (چاپ پاریس، دارالطباعه السلطانية، ١٨٤٠).
- اجبوسى سلمى، **خضر، ميراث اسبانياى مسلمان**، ترجمه محمد تقى اكبرى (مشهد، بنياد پژوهش هاى آستان قدس، ١٣٨٠) ج ١.
- ادريسى، محمد بن محمد، **نزهة المشتاق فى اختراق الافاق**، (قاهره، مكتبة الثقافة الدينية، ١٤١٤).
- \_\_\_\_\_، **نقشه صورة الارض**، تصحيح و ترجمه كونراد ملر ترجمه به عربى محمد بهجه الاثرى (بغداد، المجمع العراقى، ١٣٧٠).
- البجيرمى، سامى، ادريسى و **الكرة المسجّمة (الدار المصرية البنانية)**- صفدى، خليل بن ايبك، **الوافى بالوفيات**، تصحيح هلموت ريتز، (ليسبادن، دارالنشر، ١٤٠١).
- بكرى، عبدالله بن عبدالعزيز، **معجم ما استعجم من البلاد والمواضع**، تصحيح جمال طلبه (بيروت، دارالعلميه، ١٤١٨).
- پاشا، اسماعيل، **هدية العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنفين** (طهران، مكتبة الاسلاميه، ١٩٦٧).
- ثعالبى، عبدالملك بن محمد، **يتيمة الدهر فى محاسن اهل العصر**، تصحيح محمد محى الدين عبدالحميد (بيروت دارالفكر، ١٣٦٦هـ).
- حاجى خليفه، مصطفى بن عبدالله، **كشف الظنون عن اسامى الكتب و الفنون** (بى جا، مطبعه و كاله المعارفه الجليه، ١٩٤١هـ).
- الحموى، ياقوت، **معجم البلدان** (بيروت، دارالصادر، ١٣٧٤هـ).
- الحميدى، محمد بن فتوح، **جذوة المقتبس فى ذكر ولاة الاندلس**، تصحيح محمد بن تاويت الطبيخى (قاهره، مكتب نشر الثقافة الاسلاميه، ١٣٧٢هـ).
- حميده، عبدالرحمن، **اعلام الجغرافيين العرب و مقتطفات من آثارهم**، دمشق، دارالفكر، ١٤٠٤هـ).
- حميرى، محمد بن عبدالمنعم، **الروض المعطار فى خبر الاقطار**، تصحيح احسان عباس (بيروت مكتبة

لبنان، ۱۹۸۴ هـ).

- \_\_\_\_\_، *صفة جزيرة الاندلس*، تصحيح لویی پرووسنال (بی جا، مطبعة لجنة التأليف و الترجمة و النشر، ۱۹۳۷ م).

- زهری، محمد بن ابوبکر، *كتاب الجغرافیه*، تصحيح محمد حاج صادق، (دمشق، معهد الفرشی، ۱۹۶۸ م).

- سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر، *بغية الوعاة في طبقات النحويين و النحاة* (بیروت، دارالمعرفة، بی تا).

- الضبی، احمد بن یحیی، *بغية الملتبس في تاريخ رجال اهل الاندلس*، (بغداد، قاهره مكتبة المثنی، بی تا).

- غرناطی، ابو حامد، *تحفة الالباب*، تصحيح گابریل فران (چاپ فرانسه ۱۹۲۵).

- فروخ، عمر، *العرب و الاسلام في الحوض الغربي من الحجر الابيض المتوسط* (بیروت، دارالکتب العربی،

۱۹۸۱ م).

- قزوینی، زکریا بن محمد، *عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات*، تصحيح نصرالله سبوحی، (تهران،

بی تا، ۱۳۶۱).

- کراچوکوفسکی، *تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران، شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹).

- گزنالس، پالنتیا، *تاریخ الفكر الاندلسی*، ترجمه از اسپانیایی حسین مونس (قاهره، مكتبة الثقافة الدينية).

- مظهر العمید، طاهر، *آثار المغرب و الاندلس* (بغداد، وزارة التعليم العالي و البحث العلمي، بی تا).

- مقرئ، احمد بن محمد، *نفع الطیب*، تصحيح محمد محی الدین عبدالحمید (بیروت، دارالکتب العربی،

۱۳۷۶ هـ).

- منجد، صلاح الدین، *المشرق في نظر المغاربة و الاندلسيين في القرون الوسطی* (بیروت، دارالکتب

الجدید، ۱۹۶۳).

- موسوی بجنوردی، کاظم (زیر نظر) *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* (تهران، ۱۳۷۰).

- مونس، حسین *تاریخ الجغرافیه و الجغرافيين في الاندلس* (قاهره، مكتبة مدبولی، ۱۹۸۶).